

محمدعطریانفر :

ارتقای سطح اعتماد میان شهروند و حاکم؛ چالش دولت

محمد عطر یانفر، **عضو حزب کارگزاران سازندگی**، **معتقد است چالش اصلی که در سال جدید پیشروی دولت قرار دارد، بی اعتمادی مردم است**. او همچنین اشاره کرد

که **شعار دولت دچار انحراف شده است اما با این وجود، چشم‌انداز آینده را مثبت ارزیابی کرد** که باید برای آن برنامه‌ریزی مشخصی داشت.

■ ■ ■

■ چالش دولت؛ ارتقای سطح اعتماد ملی

محمدعطریانفر اصلی‌ترین چالش پیش‌روی دولت در سال آینده را مسئله بحران بی‌اعتمادی دانست و گفت: «اصلاح طلبان بدون اینکه کسی آن‌ها را دعوت کند، به عرصه انتخابات آمدند و احساس تعهد نسبت به جامعه، نظام سیاسی و آقای پزشکیان داشتند. تصور می‌کنم مجموعه حوادث گذشته، وضعیت فعلی به‌ویژه بحران‌هایی که در چشم‌انداز بحران‌های بین‌المللی برابر ایران قرار گرفته درسال ۱۴۰۴ ایران را با چالش مهمی روبه‌رو می‌کند. چالش اصلی از نظر من، ضرورت پرداختن به بحران بی‌اعتمادی فراگیر است بی‌اعتمادی‌ای که از سوی جامعه به‌خصوص طبقه متوسط شهری و اقبال مدنی ایران و طبقاتی که در رفت و آمد با حاکمیت و دست به دست شدن قدرت، نقش مؤثر دارند، وجود دارد. تمرکز من روی جامعه شهری است، متأسفانه در حال حاضر دچار تنازل و کاهش چشمگیر اعتماد ملی هستیم. بزرگ‌ترین تکلیف ملی نخیکن درسال آینده، ارتقای سطح روابط اعتماد‌آمیز میان شهروند و شه‌ریار است به بیان دقیق‌تر، دولت و ملت، یا به معنای سنتی آن، جامعه شهروندان ایرانی و مردم است و اصلاح رفتار بدنه حاکمیت و کسانی که در به‌هم خوردن این اعتماد در گذشته، رفتارهای نابخردانه داشتند و مشکل ایجاد کردند. چنانچه رفع این بحران را ضروری‌ترین مأموریت برای سال آینده در نظر بگیریم، طبیعتاً با یک بی‌اعتمادی گسترده‌تری مواجه می‌شویم و این بی‌اعتمادی، تبعاتی هم در داخل و هم در خارج کشور به همراه خواهد داشت. در داخل، مردم احساس می‌کنند نمی‌توانند به دستگاه اجرایی کشور اعتماد کنند، نسبت به ضرورت حمایت و همراهی با اقدامات فوریت‌دار که دولت، از بخش کاهش سطح توزیع ناعادلانه یارانه‌ها در حوزه

■ ■ ■

پنجشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۳

شماره ۴۳۶۵

شماره ۴۳۶۵

FARHIKHTEGANDAILY.COM

شماره ۴۳۶۵

FARHIKHTEGANONLINE

سیدحسین شهر ستانی:

چه چشم‌اندازی پیش رو است؟

سیدحسین شهرستانی، **جامعه‌شناس چندان نگاه مثبتی به وضعیت سیاسی کنونی ندارد و آن‌را بی‌ایده و نامنسجم می‌داند**. او می‌گوید در نظام سیاسی کنونی ابهامات زیادی

در تصمیم‌گیری‌ها وجود دارد و چهارچوب‌ها نیز مشخص نیست. در ادامه متن کامل گفت‌وگوی «فره‌یختگان» با سیدحسین شهرستانی را از نظر می‌گذرانید.

■ ■ ■

■ بحران مدیریتی در دولت

سیدحسین شهرستانی معتقد است اگر از زاویه قوه مجریه و دولت به موضوع نگاه کنیم، چشم‌انداز روشنی پیش رو نیست. او با انتقاد از این وضعیت گفت: «این دولت واقعاً ناکارآمدترین، بی‌ایده‌ترین، نامنسجم‌ترین و بلا تکلیف‌ترین دولت بعد از انقلاب است. نه در رأس و نه در بدنه، ایده‌ای ندارد و حتی در همان ایده نداشتن نیز هماهنگی‌ای دیده نمی‌شود. انگیزه، حس تعلق و تعهد در این دولت بسیار کم است و امید زیادی نیز برای پیشبرد طرح‌هایی که جناح سیاسی حاکم نماینده آن است، وجود ندارد؛ چراکه این طرح‌ها پیش‌تر به بن‌بست خورده‌اند و اکنون نیز شرایطی برای پیشرفت آن‌ها فراهم نیست. همان مسئله تنش‌زدایی خارجی را در نظر بگیرید. ما با ترکیبی مراجعیم که در آن رئیس جمهوری حضور دارد که حتی استعداد درک مسائل سیاسی داخلی را ندارد و در عین حال، یک هیئت حاکمه فرسوده و فروتن نیز زیر نظر او فعالیت می‌کند. همان بدنه دولت آقای روحانی کم‌وبیش حفظ‌شده، اما فرسوده‌تر و ازکارافتاده‌تر شده است. در لایه‌های پایین‌تر نیز مدیران میانی‌ای قرار دارند که بخشی از آن‌ها، هیچ تعهدی نسبت به آینده کشور ندارند و صرفاً به دنبال بهره‌مندی از این فرصت چندصباح هستند. درواقع، هیچ ایده انسجام‌بخش و امیدآفرینی آن‌ها را دور هم جمع نکرده است؛ بلکه صرفاً هم‌پیمانی و هم‌افقی منافع موجب گردهمایی آن‌ها شده است. این فضا، بهترین موقعیت را برای ظهور افرادی فراهم کرده که صرفاً به دنبال منفعت شخصی‌اند و در یک مقطع کوتاه قصد دارند به اهداف خود برسند و کار خود را پیش ببرند.»

■ حتی چهارچوب مشخصی هم نداریم

شهرستانی در ادامه با انتقاد از نحوه حکمرانی دولت مستقر ادامه داد: «هیچ چیز این دولت به هیچ چیزش نمی‌خورد. با همه بحران‌هایی که دولت روحانی داشت، دست‌کم دارای یک چهارچوب و هدف‌گذاری مشخص بود؛ اما این دولت حتی از آن نیز برخوردار نیست. علاوه بر این، شرایط جهانی، داخلی و منطقه‌ای نیز اجازه نمی‌دهد که پروژه تنش‌زدایی همچون گذشته پیش برود. از سوی دیگر، در بدنه اجرایی کشور نیز انرژی و انگیزه‌ای برای کار دیده نمی‌شود. حداقل در دوره آقای رئیسی، انگیزه‌هایی برای پیگیری مسائل وجود داشت. ممکن است بگوئیم که در آن دوره هنوز ایده‌های سیاسی و اقتصادی پخته‌ای به ثمر نرسیده بود، اما حداقل تلاش گسترده‌ای برای حل چیزهایی که گمان می‌شد راه حل مسائل کشور است، انجام می‌شد. گرچه سیاست‌گذاری‌ها و جهت‌گیری‌های آن دوره، مسیر خاص خود را داشت، اما ما در حال تعامل با شرق بودیم، هم‌پیمانی‌های جدید سیاسی شکل می‌گرفت، شرایط تحریمی مدیریت می‌شد و حتی

انرژی که دولت برآورد کرده باید از نو بازخوانی شود و اجازه ندهد حجم سنگینی از یارانه‌ها در فرایند غیر منطقی هزینه شود. در حوزه اجتماعی، چالش‌های مرتبط با فضای مجازی و موضوعاتی که در بحث فیلترینگ مطرح شده، دولت با چالش‌هایی مواجه است و در صورت تداوم بی‌اعتمادی، مردم با حکومت همراهی نخواهند کرد. علاوه بر این، وقتی مجامع جهانی، موضوع بی‌اعتمادی را در سطح داخل ارزیابی کرده و حس می‌کنند جامعه‌شهروندی ایران پشتیبان تمام‌عیار حکومت‌شان نیست، جسارت بیشتری پیدا کرده و فشار بیشتری به ما وارد می‌کنند. مهم‌ترین و عمده‌ترین تکلیفی که برعهده دولتمردان است و امر حکمرانی به طور جدی با آن رو به‌رو است، ضرورت تقویت و ارتقای سطح اعتماد ملی است.»

■ وفاق از مفهوم اصلی خود

منحرف شده است

عطریانفر در خصوص اینکه شعار وفاق چقدر می‌تواند در جبران این بی‌اعتمادی مؤثر باشد، گفت: «اصل واژگان وفاق، کلام و پیام ارزشمند و قابل دفاعی است، اما متأسفانه شعار دولت این روزها در معنا دچار انحراف شده است. آنچه من از وفاق می‌فهمم این است که دولت، باید وفاقی در جامعه به وجود بیاورد که ابتدا اولویت و دغدغه‌های مردم برایش روشن باشد، مطابق با دغدغه‌ها، برنامه‌های خود را تبیین کند و برای تحقق آن که مبتنی بر الزام به رفع دغدغه‌های مردم است، آن هدف را سرفصل توافق قرار دهد و سخنانش با جامعه‌سیاسی، نخیکنان و بدنه اجرایی این باشد کسانی که اراده می‌کنند، برای رسیدن به اهداف دولت هزینه و تلاش کرده و می‌خواهند بیایند با دولت همراهی کنند و همچنین برای تحقق برنامه‌هایی که به نفع مردم است، هم‌قسم شوند و روی اصل خدمت به جامعه همگرا و وفاق پیدا کنند. متأسفانه الان در حد بسیار غم‌انگیزی وفاق تنزل یافته، تصور برخی این است که وفاق یعنی کسانی که تا دیروز با یکدیگر می‌جنگیدند و همدیگر را قبول نداشتند، بیایند و به آن پست داده شود. متأسفانه تمام ذهن حضراتی که مطالبه وفاق از رئیس‌جمهور دارند بر منصب پست و جایگاه مدیریتی متمرکز است و سطح منطقه‌ای و ملی، آن‌ها توقع دارند در مقیاس مدیریت عالی، متوسط و میانی، که بالغ بر ۱۰ هزار پست سیاسی و اجرایی وجود دارد این را میان کسانی که توقعی از

رئیس‌جمهور دارند، تقسیم کنند. این امر، وفاق را دچار انحراف کرده است. اخیراً آقای آژهای در گفت‌وگویی گفت برخی افراد در برخی مراکز استعلامی در کشور برای صدور تأییدیه افراد از آن‌ها توقعاتی ناموجه دارند و از آن‌ها می‌خواهند که در تداوم مأموریت‌شان به این مراکز اطلاع‌رسانی کنند، چیزی که هیچ جاهت قانونی ندارد. باید هدف‌گذاری درست به‌منظور کسب دستاوردهای واقع‌بینانه برای ملت و برنام‌های دقیق و روزآمد و بهنگام را طراحی کرد؛ با چنین رویکردی ان‌شاء‌الله آینده قابل دفاع باشد.»

■ دستاورد هایمان را واقع‌بینانه طراحی کنیم، آینده قابل دفاع است

عطریانفر در مورد اینکه باید چه دستور کاری برای مواجهه با ناپساامانی‌ها و نارضایتی‌های اجتماعی داشت، گفت: «چراغ راه آینده گذشته است، اگر تحلیل درستی از عملکرد گذشته خود داشته باشیم و اهدافی که برای مردم در آینده تعریف کرده‌ایم را در طول هم ببینیم و مأموریتی برای خود تعیین کنیم که می‌خواهیم برای مثال از نقطه آبه نقطه ب برسیم، اگر نگاه منطقی و واقع‌بینانه داشته باشیم، می‌توانیم بر بحران‌ها فائق بیاییم. باید توجه داشت که آینده پدیده‌ای صلب نیست، آینده را ما می‌سازیم و عملکرد مدیران مناسبات فی‌مابین مردم و حاکمان را می‌سازد. آینده کشور را حجم اعتراض و یا پیوند روحی و روانی حاکمیت می‌سازد. اگر دستاوردها را طوری طراحی کنیم که واقع‌بینانه به اهداف آن برسیم، اعتماد بر می‌گردد و آینده خوب و قابل دفاعی خواهد بود. اگر بخواهیم این اتفاق بیفتد، ابتدا باید یک رویکردی داشته باشیم و بدانیم مناسبات و ساختار اجرایی و اجتماعی ما چگونه است. من فکر می‌کنم که در خط مقدم مواجهه با مشکلات مردم، مأموریت ابتدا از آن دولت است. دولت نقش کلیدی و مؤثری دارد، هر نهاد دیگری جز دولت، واجد ساختاری و کارکردی است، نقش آفرینی این‌ها باید در فرایند و در طول مأموریت‌های ملی دولت همراه و همدل باشد. وقتی دولت را در چنین قامتی به رسمیت بشناسیم، اولین نهادهای پیرامونی دولت، پارلمان و بعد از مجلس دستگاه عدالت است، اینها علی‌القاعده نباید برای خود در برابر دولت اصالتی و یا ادعایی قائل باشند. باید بدانند که هویت و اقدامات آن‌ها تابع اهداف دولت است و سیاست‌های دولت را باید دنبال کنند،

■ ■ ■

پنجشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۳

شماره ۴۳۶۵

FARHIKHTEGANDAILY.COM

شماره ۴۳۶۵

FARHIKHTEGANONLINE

نمی‌خواهم سهم نظارت این دستگاه‌ها را کاهش دهم اگر چنانچه قرار بر این باشد که نهاد پارلمان مدعی باشد که دخالت و سهمی برای خود تعریف کند، دولت را دچار چالش خواهد کرد. من نمی‌خواهم تفسیر زود هنگام کنم اما هنوز دولت به یک نقطه استقرار و پایداری نرسیده و هنوز درگیر حل مشکلات دولت‌های سابق است که مجلس موضع استیضاح می‌گیرد آن هم در مورد مهم‌ترین و کلیدی‌ترین وزیر دولت! خوب این از مشکلات جدی است. خوب این‌ها جز تکالیفی است که ما باید برای خودمان روشن کنیم. دولت باید براساس نظرسنجی‌هایی که انجام می‌دهد برنامه‌هایش را تنظیم کند. مهم‌ترین تکلیفی که مردم از دولت مطالبه می‌کنند حل مشکلات معیشتی است. طبیعتاً هر دستورکاری که ما را به یک اقتدار نرساند یک امر باطل است. هر سیاست خارجی که سهم مردم از اقتصاد سالم و سبب معیشتی آبرومندانه را فراهم نکند، محکوم به شکست است. سالیان متمادی است که بر سر یک موضوع بسیار روشن که همه عقلاًای عالم تأییدش می‌کنند یعنی FATF هنوز ما درگیر این سؤال هستیم که آیا باید از یک قاعده درست در اقتصاد تبعیت کنیم یا نه. ما هنوز داریم می‌جنگیم و این رویکرد ما را دچار محرومیت‌های سنگینی خواهد کرد. بخش سنگینی از مسائل اقتصادی تابع فروش نفت است. در تجارت جهانی باید با دنیا ارتباط داشته باشیم. برای توسعه صنعت و زیرساخت‌هایمان نیازمند این هستیم که با جهان ارتباط داشته باشیم. وقتی اولویت‌مان را دهیم به حل مشکلات مردم نباید خودمان دست‌انداز درست کنیم. اگر چه مردم همچنان همراهند و از اغتشاش و آشوب هیچ دلخوشی ندارند اما وقتی راه برون رفتی نداشته باشند رو به سوی هیجان و فریاد می‌آورند و حکومت را به چالش می‌کشند. اگر چه اهانت‌هایی که می‌شود امر خطا و باطلی است اما قبل از آنکه به آن واکنش نشان دهیم باید ببینیم ریشه‌اش چیست. زمانی که دولت سازندگی بعد از جنگ مسئولیت گرفت و رفع مشکلات علبه‌ای را هم عهده دار شد کشور در نقطه بسیار آسیب پذیر قرار داشت با این وجود حداقلص سال ۶۸ تا دولت اصلاحات دولت توانست فضا را بهبود بخشد و مردم را امیدوار کند. اعتماد تقویت شد و در بزنگاه انتخابات مردم سهم خود را به خوبی ایفا کردند. اگر توانیم مشکلات را حل کنیم باید منتظر واکنش‌های باشیم که ناخواسته تحركاتی به خیابان کشیده شود.»

■ ■ ■

پنجشنبه ۹ اسفند ۱۴۰۳

شماره ۴۳۶۵

FARHIKHTEGANDAILY.COM

شماره ۴۳۶۵

FARHIKHTEGANONLINE

مشخص نزدیک‌تر است. اود در این باره توضیح داد: «در این مدت تجربیات و توانمندی‌هایی برای مدیریت و کنترل چنین حوادثی کسب شده است. اما مسئله اینجاست که برای جلوگیری از وقوع این رخدادها، نمی‌توان صرفاً به رویکردهای امنیتی متکی بود بلکه باید به حل ریشه‌ای علل و عواملی که انگیزه چنین اعتراضاتی را ایجاد می‌کنند، پرداخت. درحال حاضر، چنین ظرفیتی وجود ندارد و خود دولت نیز رویکردی متعهدانه و مسئولانه در قبال حل این مسائل اتخاذ نکرده است. شاید در آینده مدل حکمرانی کشور به سمتی حرکت کند که تصمیمات اساسی در سطح دیگری از حاکمیت اتخاذ شود. در واقع، این روند تا حدی آغاز شده است، اما ممکن است به سمتی برود که کل حاکمیت برای حل مسائل کشور مشارکت داشته باشد و بار دولت بین سایر ارکان حاکمیت توزیع شود. البته، برخی از این نهادها نیز از توانایی لازم برای حل مشکلات خودشان برخوردار نیستند، چه برسد به حل مسائل کل کشور. بااین‌وجود، برخی دیگر از ارکان حاکمیت تعهد و التزام بیشتری دارند و خود را به سرنوشت کشور گره‌خورده می‌بینند.»

■ مسئولان نباید خود را مسافر کشتی بدانند

شهرستانی در بخش پایانی گفت‌وگو به نقش ویژه مسئولیت‌پذیری در دولت اشاره کرده و گفت: «برخی از مسئولان در دولت کنونی چنین احساسی ندارند و خود را مسافر این کشتی می‌دانند، نه بخشی از آن. این مسئله بسیار خطرناک است، زیرا زمانی که بخشی از مسئولان، سرنوشت خود را به سرنوشت جمهوری اسلامی گره زنند و حتی ارتباط خود را با سرنوشت ایران حفظ نکنند، نمی‌توان امیدوی به حل مشکلات کشور از جانب آن‌ها داشت. فردی که شکست نظامی مردم باشد را شکست شخصی خود نداند و همواره راه گریزی برای خود متصور باشد، هرگز نمی‌تواند متعهدانه و مسئولانه در میدان بماند. این پدیده، به‌ویژه هنگامی که جریان‌های سیاسی اصلاح‌طلب بر سر کار می‌آیند، بیشتر خود را نشان می‌دهد؛ چراکه این جریان‌ها، همواره خود را به‌طور کامل درون نظام تعریف نکرده‌اند و این وضعیت تا زمانی که تغییر نکند ادامه خواهد داشت. این مسأله را بارها در رفتار برخی از مسئولان این جریان مشاهده کرده‌ایم؛ افرادی که هم‌زمان تلاش دارند نقش اپوزیسیون را بازی کنند و در عین حال در ساختار قدرت باقی بمانند. نمی‌توان هم شریک دزد بود و هم رفیق قافله. اگر کسی در جمهوری اسلامی مسئولیتی بر عهده می‌گیرد، باید کلیت نظام را به رسمیت بشناسد و خود را نماینده چهارچوب آن بداند. قرار گرفتن در موقعیت مسئولیت، بدون پذیرش تعهدات آن و تلاش برای قرار از آن، مسئله‌ای است که بارها و بارها شاهد آن بوده‌ایم. این وضعیت به‌ویژه در دوره دوم خرداد و دولت خاتمی به‌شدت مشهود بود. در حال حاضر مشخص نیست چه کسی واقعاً تسکان هدایت را در دست دارد. نه‌تنها ایده روشنی وجود ندارد، بلکه در سطح کنشگری عملی و تصمیم‌گیری لحظه‌ای نیز وحدت رویه‌ای به چشم نمی‌خورد. از یک‌سو، با برخی انگیزه‌های انقلابی اما خام مواجعیم و از سوی دیگر پراکندگی محض در تصمیم‌گیری‌ها را شاهد هستیم. حتی حداقل‌ترین سطح مدیریت، یعنی اداره رویتن کشور و رعایت سازوکارهای موجود، نیز با ابهام همراه است. نمونه بارز آن، تعطیلی‌های اخیر است. در چنین شرایطی، چشم‌انداز روشنی برای آینده قابل تصور نیست.»

به‌شدت پیچیده‌تر شده است. پس از آغاز تحریم‌های گسترده علیه ایران، حل مسائل کشور و اداره دولت بسیار متفاوت از گذشته شده. دیگر اداره دولت به این شکل نیست که هر وزیر ی به‌طور مستقل کارایی داشته باشد و بعد در هیئت وزیران هماهنگی‌های لازم میان آن‌ها صورت گیرد. این روزها کشور نیاز به یک اتاق فرمان جدی، مانیتورینگ و نظارت دقیق دارد؛ چرا که شرایط دیگر عادی و هنجارمند نیست که سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها بتوانند مانند ساعت کار کنند. ساختار موجود ایجاب می‌کند که وزرا، معاون اول و رئیس‌جمهور در صورت بروز تعارض، دخالت کرده و امور را حل و فصل کنند. اما آقای عارف، هرچند در دوران معاون‌اولی خود در دولت خاتمی، فردی آشنا با دولت و امور اجرایی محسوب می‌شد، در حال حاضر با چالش‌های فراوانی روبه‌رو خواهد بود زیرا هم ساختار کشور تغییر کرده و هم خود او از نظر توانایی‌های اجرایی دچار افول شده است.»

■ جامعه در التهاب، اپوزیسیون در سکون

این جامعه‌شناس با اشاره به اینکه با این وضعیت جامعه آبستن تنش و بحران و بعضی اعتراضات اجتماعی است، گفت: «البته هم‌زمان با این وضعیت، اپوزیسیون نیز فاقد چشم‌انداز مشخص است و انرژی خود را به‌مرور از دست داده است. در واقع، اپوزیسیون جمهوری اسلامی هیچ چهره آبرومند و اجماع‌سازی برای خود پیدا نکرده و بارها شکست خورده است. به همین دلیل، نمی‌تواند انگیزه و امید جدیدی در میان مردم ایجاد کند یا به‌عنوان نیرویی برانگیزاننده و الهام‌بخش عمل کند. در نتیجه، پروژه اپوزیسیون به‌عنوان یک حرکت اعتراضی تا حد زیادی شکست خورده تلقی می‌شود و خود این جریان نیز به نوعی دچار انسداد و افعال شده است. با این حال، باید توجه داشت که شرایط کشور به‌طور کلی مهبای بروز اعتراضات است. اما برای وقوع اعتراض، تنها نارضایتی کافی نیست، بلکه باید در سوی مقابل امید و انگیزه‌ای نیز وجود داشته باشد، اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران توانسته هیچ چهره آبرمند و اجماع‌سازی برای خود بسازد. جدا از این بارها شکست خورده و نمی‌تواند انگیزه فراخوان مجدد برای مردم را ایجاد کند و شورانگیز باشد. پس از حوادث سال‌های ۹۶ و ۹۸، اگر دوباره ناآرامی رخ دهد، احتمالاً از همان جنس خواهد بود، نه مشابه سال ۱۴۰۱. در سال‌های ۹۶ و ۹۸، اعتراضات بیشتر ناشی از فشارهای اقتصادی و نارضایتی‌های معیشتی بود و به‌طور مستقیم توسط اپوزیسیون سازماندهی نشده بود. در آن مقطع، بخش‌هایی از جامعه که احساس می‌کردند از سوی دولت به رسمیت شناخته نمی‌شوند و تحت فشار اقتصاد قرار دارند، به میدان آمدند و پس از آن، اپوزیسیون سعی کرد بر موج آن اعتراضات سوار شود. اما در سال ۱۴۰۱، اعتراضات بیشتر ماهیتی سیاسی و گفت‌وانی داشت که توسط اپوزیسیون بین‌المللی سازماندهی شد و همان شاخص‌های طبقه متوسطی و غرب‌گرایی در آن وجود داشت.»

■ رویکردهای امنیتی راه مناسبی برای مقابله با اعتراض نیست

این جامعه‌شناس می‌گوید وضعیت کنونی بیش از آنکه به جنبش‌های مدنی و سیاسی گسترده و با محوریت طبقه متوسط شباهت داشته باشد، به شورش‌های کور، مقطعی و فاقد گفتار

ادامه از صفحه ۷